

شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی (با تأکید بر حکومت علوی)

سیداحمد حبیب‌نژاد*
زهرا عامری**

تاریخ تأیید: ۹۵/۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۷

چکیده

یکی از مهم‌ترین تعهدات حکمرانی شایسته، تضمین حقوق بشر و شهروندی می‌باشد و در این جهت، «شفافیت» یکی از خصایص روشن حکمرانی شایسته است که می‌تواند به عنوان سازوکار مؤثر حامی حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان، قدرت را به نقطه تراز مورد انتظار برساند و راهکاری ارزنده برای مبارزه با پدیده‌های شومی باشد مانند فسادهای سیاسی و اقتصادی که از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی هر جامعه‌ای می‌تواند باشد. در این میان هر چند مفهوم حقوقی شفافیت، امروزه مفهومی تازه وارد است، ولی ریشه‌های مفهوم شفافیت را می‌توان در آموزه‌های علوی به خصوص در دوران کوتاه حکومت ایشان یافت. علی‌شفاقت در حکومت را امری ضروری تلقی می‌کرد و به صداقت و صراحت تمام، دیدگاه حکومتی و شیوه عملی خویش را با مردم و همه مخاطبان در میان می‌گذاشت. ایشان جز در مورد اسرار جنگی، پنهان‌کاری از مردم را مجاز نمی‌دانست. در اندیشه علوی، شاخص‌ها و معیارهایی - اعم از ساختاری و رفتاری - دخیل‌اند تا با فراهم‌سازی مقدمات تحقق‌پذیری شفافیت، خیر عمومی و منافع همگانی را تأمین کنند. اعلام صریح مواضع حکومت، هشدار و آگاهی‌بخشی به کارگزاران، تبیین تکالیف و حقوق متقابل کارگزاران و مردم، لزوم دسترسی آسان به کارگزاران، به کارگیری سطح بالایی از استانداردهای درستکاری و اخلاق برای کارکنان، گزارش‌دهی به مردم و تبیین دلالتی تنبیه کارگزاران، شاخص‌های رفتاری یک حکومت شفاف است. همچنین بهره‌گیری از شاخص‌های ساختاری چون شبکه نظارتی گسترده و نظام قضایی مستقل، به خوبی در نیل به شفافیت می‌تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: اندیشه علوی، حکومت، شفافیت، شاخص ساختاری، شاخص رفتاری.

* استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (a.habibnezhad@ut.ac.ir).

** استادیار دانشگاه بجنورد (z.ameri@ub.ac.ir).

مقدمه

«شفافیت» (Transparency) کلمه‌ای عربی از ریشه «شف»* (حیدری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۸۸) و شف، خود به معنای نازک بودن، ظریف بودن، روشن بودن و زلال بودن است (آذرنوش، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶). این واژه، مصدر اسمی شفاف بوده، شفاف در لغت به هر چیز لطیف و نازک گفته می‌شود که از پشت آن اشیای دیگر نمایان باشد؛ مانند بلور و شیشه (عمید، ۱۳۸۳، ص ۷۹۷) و جمع آن «شفوف»** (قیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۶۶) است. با توجه به همین تعابیر، شفافیت را می‌توان به نازکی، درخشندگی و تابناکی (معین، ۱۳۸۶، ص ۶۲۰) تعبیر کرد.

در اصطلاح، استعمال شفافیت در مورد اطلاعات، داده‌ها، رویه‌ها و به معنای «آشکاربودن» و «در دسترس بودن» آنها برای بررسی و نظارت بر آنها می‌باشد (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۲، ص ۹۳).

این معنا در حوزه‌های گوناگون اجتماعی کارکرد دارد. در عرصه قدرت، شفافیت عمدتاً به عنوان شاخصی از کیفیت سیاست و حکمرانی لحاظ می‌شود. اگرچه این مفهوم ممکن است از زمان‌های دور، مفهومی آشنا برای مردم باشد، ولی آنچه امروزه در این ارتباط مطرح است، برای نخستین بار در گزارش‌های بانک جهانی در ارتباط با برنامه‌های توسعه مطرح شد. بانک جهانی که تا سال ۱۹۸۹م در اجرای برنامه‌های توسعه و مدیریت بخش عمومی بر اهمیت کاهش نقش دولت در به دست آوردن کارایی اقتصادی بیشتر تأکید می‌کرد، در گزارش سال ۱۹۸۹م خود در ارتباط با بحران اقتصادی در افریقا تأکید چندانی بر کوچک کردن دولت نکرده است و مفهوم حکمرانی مطلوب (Good Governance) را برای نخستین بار در این گزارش مطرح کرده است. نویسندگان گزارش، مشخص کرده‌اند که بحران اقتصادی در واقع از بحران حکمرانی سرچشمه می‌گیرد و یکی از مشخصه‌های حکمرانی بد، عدم توجه به مدیریت مبتنی بر شفافیت ذکر شده است. بانک جهانی همچنین در گزارش سال ۱۹۹۲م خود درباره

* شَفٌ، يَشْفُ، شُفُوفاً.

** شَفٌ وَ الْجَمْعُ (شُفُوفاً) مِثْلُ فُلُوْسٍ.

توسعه و حکمرانی، چهار عنصر عمده حکمرانی مطلوب را برشمرده، شفافیت را یکی از این عناصر دانسته است (یزدانی زنوز، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

در این نظریه و نیز در پارادایم حقوق عمومی - که به طور مستقیم با موضوع حکمرانی و حقوق شهروندان در ارتباط است - شفافیت بدین معناست که با اطلاعاتی که حکومت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، به آنها امکان داده شود تا از آنچه حکومت انجام می‌دهد، آگاه شوند و بتوانند تحلیل، نقد و قیاس کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۵۲۶) و تاریکخانه‌ای فراروی خود نبینند. این مفهوم بر موجودیت سازوکارهایی برای تضمین دسترسی عامه مردم به فراگرد تصمیم‌گیری مبتنی است (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳).

امروزه، هم سیاستمداران و هم شهروندان، خواهان شفاف‌سازی بیشتر امورند؛ زیرا تقریباً راه حل برخورد با هر گونه ناکامی و فساد در سیستم سیاسی و اقتصادی را در شفاف‌سازی برای عموم می‌دانند.*

البته باید توجه داشت آگاهی عموم از آنچه در حکومت می‌گذرد، موضوعی نیست که به جوامع امروزی منحصر باشد. قرن‌ها پیش، در عرصه حکومت اسلامی، مفهوم شفافیت و آگاهی‌بخشی به عموم مورد توجه امام علی^{علیه السلام} قرار گرفته است.

در میان مسلمانان و به ویژه شیعیان آن هنگام که سخن از حکومت اسلامی به میان می‌آید، حکومت علی^{علیه السلام} بی‌درنگ به عنوان یک الگو به ذهن همگان می‌آید. در واقع حکومتی وصف دینی و اسلامی دارد که به این الگو - یعنی حکومت علوی - نزدیک‌تر و با آن انطباق بیشتری داشته باشد. این نزدیکی و انطباق باید در جنبه‌های گوناگونی از حکومت و حکومت‌داری باشد که در سخن آن حضرت آمده، یا از مرام و سیره او نقل شده است؛ یکی از این جنبه‌ها که حضرت علی^{علیه السلام} به آن پرداخته، شفافیت است. از آنجاکه در اندیشه علوی، مردم نقش مهمی در حکومت دارند،** حق دارند بر

* برای دیدن آمار شاخص فساد از سازمان شفافیت بین‌الملل، می‌توان به سایت « <http://www.transparency.org/cpi2014/#1> » مراجعه کرد.

** «ای مردم! این امر حکومت از آن شماست؛ هیچ کس جز کسی که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت بر شما را ندارد» (طبری، ۱۸۷۹، ج ۳، ص ۴۵۶).

روند اجرای امور در چهارچوب مبانی و احکام اسلامی نظارت کنند و مقدمه این نقش مردم، شفافیت اعمال و کردار و تصمیم‌گیری‌های حکومت است. از سوی دیگر آگاهی سیاسی مردم، نقش بسزایی در روند استمرار، تداوم و تسریع اهداف حکومت دارد و حکومت عرصه پنهان‌کاری نیست؛ بنابراین همه باید در جریان اقدامات حکومت قرار گیرند تا ضمن صراحت، زمینه‌های شفافیت سیاسی در مقابل مردم نیز فراهم آید (بخشایش اردستانی، ۱۳۹۲، ص ۶۸). نوشتار حاضر می‌کوشد با پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی که شاخص‌ها و معیارهای تحقق‌بخش شفافیت در حکومت اسلامی چیست، به تبیین این مفهوم از منظر اسوه‌ترین حاکم دینی - پس از پیامبر ﷺ - پردازد. با توجه به این مسئله، شفافیت از بُعد ساختاری و رفتاری - بررسی شده، شاخص‌های آن با توجه به سیره عملی و نظری حکومتی حضرت علیؑ، استخراج شده است. فرض نویسندگان بر این است که با بررسی اندیشه‌های امام علیؑ درباره موضوع شفافیت و آگاهی‌بخشی، می‌توان به الگویی جزئی‌نگر و جامع‌بین از شفافیت دست یافت.

۱. شاخص‌های شفافیت در اندیشه علوی

شاخص عبارت است از سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۵۱) و نشانه‌های عینی شناسایی و اندازه‌گیری ابعاد یک مفهوم‌اند (عسگری‌نیا و لطفی‌جم، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

شاخص‌های شفافیت به معنای راهنماها، ملاک‌ها و محک‌هایی‌اند که وجود پدیده شفافیت در حکومت را نمایان می‌کنند و به عنوان علامت‌های مشخص‌کننده این مفهوم محسوب می‌شوند. با کمک این شاخص‌ها می‌توان اطلاعات موجود درباره شفافیت را طبقه‌بندی کرد و با استفاده از آن با سرعت و دقت بیشتری به بررسی و تحلیل پدیده مذکور پرداخت. در اندیشه علوی، تحلیل معیارهای تحقق‌بخش شفافیت، در دو دسته ساختاری و رفتاری می‌تواند به تبیین این مفهوم منتهی گردد.

۱-۱. شاخص‌های ساختاری

مقصود از شاخص‌های ساختاری، همان زیرساخت‌های ضروری برای تحقق شفافیت

است که شامل شایسته‌سالاری در گزینش کارکنان، تأسیس شبکه نظارتی گسترده و ایجاد سامانه قضایی مستقل می‌باشد.

۱-۱-۱. شایسته‌سالاری

از نظر امام علی^{علیه السلام}، عرصه سیاسی حکومت حق‌محور، عرصه‌ای شایسته‌سالار است که در آن افراد شایسته و لایق جامعه باید موقعیت مشارکت در حکومت را داشته باشند و شایسته‌سالاری در این مفهوم یعنی قرارداد افراد در موقعیت‌ها و مسئولیت‌های شغلی؛ فقط و فقط به دلیل مهارت‌ها و توانایی‌هایی که دارند.

شایسته‌سالاری باعث قوام و پایداری حکومت می‌گردد و بهره‌وری و کارایی نظام‌های سیاسی را به دنبال دارد و در مقابل، گزینش کارگزاران بر اساس معیارهایی غیر از توانایی‌ها و شایستگی‌های آنان و بر اساس معیارهای نادرستی مانند محبت و روابط شخصی، جز خسران برای حکومت ندارد؛ بنابراین امام علی^{علیه السلام} در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین ... که دیر به خشم آید و عذرپذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند؛ درستی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت بازدارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

امام^{علیه السلام} در این کلام، گزینش کارگزار را به توانایی بیشتر منوط می‌کند و مالک اشتر را از انتخاب یک ناتوان برحذر می‌دارد. در جای دیگر نیز توانایی و نیروی تحقق اهداف حکومت را معیار شایستگی دانسته است و می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت آن کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد» (همان، خطبه ۱۷۳)؛ همچنان‌که در جای دیگر، تجربه را یکی از عوامل دخیل در انتخاب کارگزار معرفی می‌نماید: «از عمال حکومت کسانی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیاء‌اند» (همان، نامه ۵۳) و معیارهای شخصی را در گزینش کارگزار، نفی می‌کند:

ای مالک! در کار کارگزارانت به دقت اندیشه کن و پس از اینکه آنان را نیک آزمودی، به کار بگمارشان آنها را از روی محبت نابجا و خودسرانه به کاری برمگزین که این دو اساس ظلم، ستم و خیانت است (همان).

۲-۱-۱. شبکه نظارتی گسترده

دومین شاخص ساختاری در تحقق شفافیت، طراحی یک شبکه نظارتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره عمل کردهاست. نظارت بر تصمیم‌گیری و عمل‌کرد کارگزاران و نهادهای حکومتی و مشارکت در این امور، موازنه‌سازی و ابزار مهمی برای مبارزه با فساد و بهبود حکمرانی است. این فرایند باعث شفاف‌شدن حکومت از نظر مردم و افزایش اختیارات شهروندان برای ایفای یک نقش فعال می‌شود. بررسی اجمالی سخنان امام علی علیه السلام مبین آن است که با هدف دستیابی به اطلاعات و آگاهی از روند امور، شبکه نظارتی در حکومت علوی از راه‌های ذیل صورت می‌گرفت.

۱-۲-۱-۱. ارسال هیئت‌های بازرسی

از جمله روش‌های نظارتی امام بر کارگزاران، گماشتن نمایندگان ویژه بود. این نماینده‌ها در قالب هیئت‌های بازرسی به مناطق گوناگون اعزام می‌شوند؛ از جمله نامه حضرت علی علیه السلام به مالک‌بن‌کعب است که طبق آن، به وی مأموریت می‌دهد تا به کوره‌السواد و بهقیاذات برود و درباره رفتار و عمل‌کرد کارگزاران حضرت در فاصله میان دجله و عذیب بررسی و تحقیق کند و گزارش رفتار آنان و حسابرسی خویش را به وی بدهد. در حکم امیر مؤمنان علیه السلام به وی چنین آمده است:

شخص دیگری را به جای خود بگمار و به همراه جمعی از یارانت از محل خود خارج شو تا به سرزمین کوره‌السواد برسی. پس در آنجا از گماشتگانم که مابین دجله و عذیب هستند، بپرس و نیز در روش و کردار آنان بنگر و تحقیق نما. سپس به بهقیاذات برگرد و اداره امور آنجا را به عهده بگیر و به طاعت و فرمان پروردگار خود عمل کن. البته در آنچه که او به تو ولایت داده است و بدان که هر یک از اعمال فرزند آدم، برای او ذخیره شده و در برابرش جزا و پاداش داده خواهد شد. پس تا می‌توانی کار خیر انجام بده تا خداوند برای ما و شما خیر بخواهد و در پایان این بازرسی، نتیجه تلاش باصداقت خودت را برایم گزارش کن (مرعشی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۵۶۳/ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۶۳).

مفاد نامه به روشنی بر نظارت و کیفیت انجام آن به صورت دقیق تأکید دارد و

حضرت به وی سفارش دادند که با دقت و رعایت امانت، از مراکز دولتی بازرسی کند و از یکایک کارکنان، طبق موازین شرعی، پرسش‌هایی را به عمل آورد تا از چگونگی عمل کرد و میزان فعالیت آنها آشنا شود و مراتب را به طور دقیق به حضرت گزارش دهد.

۲-۲-۱. گزارش‌گیری و حسابرسی کارگزاران

از دیگر شقوق نظارت، به ضرورت ارائه اطلاعات از سوی کارگزاران مانند ارائه صورت‌های مالی می‌توان اشاره کرد که نقشی اساسی در شفاف‌سازی ایفا می‌کند. در مدیریت امام علی^{علیه السلام}، کارگزاران به صورت منظم گزارش فعالیت‌های حوزه مسئولیت خویش را به حضرت می‌رساندند و امام را از حوزه مسئولیتی خود خبردار می‌کردند (عباس‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵)؛ برای مثال، می‌توان به مکاتبات محمدبن‌ابی‌بکر در زمان مدیریت مصر اشاره کرد. وی پیوسته با امام علی^{علیه السلام} مکاتبه داشت و از این راه، حوادث و رویدادها را به اطلاع حضرت می‌رساند (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۵۰). در واقع، حضرت همواره اطلاعات و اخبار بخش‌ها و واحدهای زیرمجموعه مدیریتی خویش را کسب می‌کرد تا ضمن آگاهی دقیق از امور، از آنها برای اعمال کنترل و هدایت استفاده کند. عبارت «فأرفع إلی حسابک: گزارش عمل کرد خود را برای من بفرست» که در برخی از نامه‌های ایشان به کارگزارانش وجود دارد، گویای این واقعیت است.

ایشان از راه نامه‌نگاری، از میزان بیت‌المال مسلمانان اطلاع می‌یافتند و میزان اضافی و باقی‌مانده را طلب می‌کردند. حضرت با ارسال نامه، به سلیمان بن‌صرد خزاعی که اداره شهر جبَل را در زمان حکومت ایشان عهده‌دار بود، فرمودند:

به من اطلاع بده از مقدار آنچه از حقوق مسلمانان در نزدت جمع شده است؛ پس حق هر صاحب حق را بپرداز و باقی‌مانده را برای ما بفرست تا در میان افرادی که در نزد ما هستند، تقسیم کنیم (بلادری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۶).

۳-۲-۱. به‌کارگیری بازرسان مخفی

به اعتقاد یکی از محققان، گرچه در سیره امام علی^{علیه السلام} از تشکیلاتی با عنوان نظام

اطلاعاتی سخن نرفته است، ولی نصوص گوناگون و پراکنده‌ای که درباره مأموریت‌های اطلاعاتی وجود دارد و اقداماتی که آن بزرگوار در روزگار حکومتش بر اساس جمع‌آوری گزارش‌های پنهانی انجام داده است، نشان می‌دهد که حکومت امام از وجود تشکیلاتی کارآمد و دقیق برخوردار بوده است و کاوش پنهان و جمع‌آوری گزارش‌های گوناگون مرتبط با امنیت داخلی، اطلاعات نظامی و عمل‌کرد کارگزاران، وظیفه اساسی این تشکیلات بوده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ص ۷۳-۷۴).

امام علیه السلام هم خود برای نظارت بر گفتار استانداران و فرماندهان و منصوبان خویش، بازرسان ویژه و مخفی نصب می‌نمود و هم به مدیران خود سفارش می‌کرد بازرسان مخفی برای نظارت بر کارمندان خود داشته باشند. در نامه‌های ایشان، از بازرسان مخفی به «عیون» تعبیر شده است (ر.ک: نهج البلاغه، نامه‌های ۳-۱۴، ۱۸-۲۲، ۲۵-۲۷، ۳۳-۳۶، ۳۸-۴۷، ۵۱-۵۴، ۵۶، ۵۷ و ۶۰).

حضرت علی علیه السلام در بخشی از نامه خود به مالک، به کسب اطلاعات از راه چنین کانال‌های ارتباطی محرمانه و مخفی تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «رفتار کارکنان را بررسی کن و بازرسان مخفی بر آنان بگمار» (همان، نامه ۵۳). همچنین در نامه‌ای که به زمامدار مکه نگاشتند، به اطلاعاتی که از بازرسان خویش دریافت کرده‌اند، اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «مأمور اطلاعاتی من در شام به من خبر داده است» (همان، نامه ۳۳). در نامه‌های موجود در نهج البلاغه یازده مرتبه، در خطبه‌ها دو مرتبه و در مجموع سیزده مرتبه عبارت «بَلْغَنِي» (ر.ک: همان، نامه‌های ۳، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۴، ۴۳ و ۴۵) به کار رفته است. در این موارد، امام به گزارش‌های جاسوسان و بازرسان خویش استناد کرده‌اند و بر اساس آن تصمیم گرفته‌اند؛ بی‌آنکه نام گزارشگر را بیاورند تا امنیت و رسالت بازرسان تهدید نشود (محمدی و دشتی، ۱۴۰۶، ص ۲۹۹).

۴-۲-۱-۱. نظارت مردمی

امیر مؤمنان علیه السلام به طور آشکارا مردم را به عنوان ناظر بر کارکرد کارگزاران معرفی می‌کند و خطاب به مردم هر منطقه می‌گوید: «اگر حاکم شما خلافی مرتکب شد، او را اطاعت نکرده و مراتب را گزارش دهید» (مفید، ۱۴۱۶، ص ۴۲۰).

بدرفتاری ابن‌عباس با قبیله بنی‌تمیم سبب شد آنها به حضور حضرت بیایند و از او شکایت کنند. علت این بدرفتاری آن بود که اغلب بنی‌تمیم در جنگ جمل جزء سپاه جمل بودند و رو در روی سپاه حضرت قرار داشتند. از جمله شاکیان، جاریه بن‌قدمه بود که برای حضرت نامه‌ای نوشت و از ابن‌عباس شکایت کرد. بر همین اساس، امام علیه السلام به ابن‌عباس نامه نوشت و در این نامه به او این‌گونه هشدار داد (خویی، ۱۳۵۸، ج ۱۸، ص ۳۲۰):

به من خبر رسیده که تو نسبت به بنی‌تمیم، تکبر می‌ورزی و چونان پلنگ درشتی می‌کنی ... پس ای ابوالعباس! قدری نرمی پیشه کن؛ چراکه من نیز در آنچه از نیک و بد بر دست و زبان تو می‌رود، سهمیم هستیم؛ بنابراین خوش‌گمانی مرا نسبت به خود پاس دار و کاری نکن که نظر من نسبت به تو برگردد.

۳-۱-۱. سامانه قضایی مستقل

بدون حضور آزادانه، مؤثر و شایسته یک سیستم قضایی کارآ، تحقق مفهوم شفافیت و پاسخ‌گویی ممکن نیست. سیستم قضایی شایسته باید با پیش‌بینی سازوکارهای لازم، زمینه شفاف‌سازی اصول و قواعد جاری در حکومت - به ویژه در حوزه عدالت قضایی - را فراهم سازد. استقلال قضات و علنی‌بودن دادرسی، از اموری است که به تحقق شفافیت در عمل‌کرد حکومت منتهی می‌شود.

شواهد از این امر حکایت دارد که تا زمان امام علی علیه السلام، دادرسی و حکومت به گونه‌ای در هم وجود دارد و قضاوت در اختیار شخص حاکم بوده است. آن حضرت با صدور فرمان‌هایی، اصل تفکیک قوا را برای حفظ استقلال منصب قضا بنیان نهاد (بشیر، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸). چه بسا حضور امام، به رغم داشتن خلافت و قدرت در محکمه شریع قاضی (دمشقی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۵-۴ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۴، ص ۳۱۶ / ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳ / ص ۴۰۱)، تأکیدی بر استقلال و تسلط قاضی، حتی بر خلیفه به عنوان نماد قوه مجریه است.

حضرت علی علیه السلام در فرمان خود به مالک اشتر، پس از انتخاب قاضی به اصل استقلال وی تأکید دارد و می‌فرماید:

پس قضاوت قاضی را هر چه بیشتر مورد بررسی قرار ده و در بذل مال به او

- و افزایش حقوق او - دست گشاده دار تا گرفتاریش برطرف شود؛ چندان که نیازش به مردم کم افتد و او را در نزد خود چنان منزلتی ده که نزدیکانت درباره او جرأت طمع نداشته باشند تا به پشت‌گرمی تو خود را از تهدید و توطئه آنان ایمن داند. در محضرخویش از او تجلیل کن و نزدیک خویش بنشان و قضاوتش را تأیید کن و حکمش را تنفیذ نما و پشتیبانش باش (حرّانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

همچنین در نظام دادرسی علوی، علنی بودن دادرسی و محاکمات از جمله سازوکارهایی است که به‌کارگیری آن به تحقق شفافیت در امور منتهی می‌گردد. علنی بودن محاکمات به معنای توانایی حضور مردم در جلسات دادرسی، قرارگرفتن در جریان محاکمات و ارزیابی صحت و سقم محاکمات می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۷). نتیجه این امر، آگاهی مردم و روشن شدن افکار عمومی است.

در سیره قضایی حضرت علیؑ آمده است که آن حضرت در مسجد قضاوت می‌کرد و در آن جایگاهی داشت که به «دکة القضا» معروف بود؛ به گونه‌ای که مشاهده آن از هر طرف مسجد امکان‌پذیر می‌نمود (قلعه‌جی، ۱۴۰۶، ص ۵۰۶) و از آنجاکه شنیده بود شریح در خانه خود قضاوت می‌کند، فرمود:

ای شریح! در مسجد قضاوت کن که این عمل برای اجرای عدالت بین مردم بهتر است. نشستن در خانه و قضاوت کردن موجب وهن قاضی است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۹۷).

آن‌گونه که مؤلفان نظام دادرسی اسلامی استنباط کرده‌اند، فلسفه جلسات دادرسی در مسجد، رعایت اصل علنی بودن رسیدگی و تسهیل حضور مردم در جلسه دادرسی بوده است (باقرالموسوی، ۱۴۱۹، ص ۱۱۴-۱۱۵). همچنین در مقررات اسلامی، گماشتن دربان و حاجب برای دادگاه، کاری ناپسند و گاه حرام دانسته شده است (فرح‌زادی، ۱۳۷۹، ص ۹۵).

با علنی بودن محاکمات، دستگاه قضایی همواره خود را در معرض نگاه تیزبین جامعه می‌داند و بدین ترتیب امنیت قضایی افراد به خوبی تضمین می‌شود و همین امر به شفافیت سیاست حکومت در تأمین عدالت قضایی منتهی می‌گردد.

۲-۱. شاخص‌های رفتاری

منظور از شاخص‌های رفتاری، مجموعه‌ای از ویژگی‌های آشکار در شیوه، منش و سلوک حکومت و کارگزاران و بازتابی از پای‌بندی آنان به اصولی معین است که اعتقاد به آنها عامل شفافیت حکومت محسوب می‌شود.

۱-۲-۱. اعلام آشکار مواضع حکومت

از روشن‌ترین مشخصه‌های حکومت علوی، شفافیت و صراحت در بیان، روشن و بی‌پرده سخن گفتن از سیاست و مشی خود با مردم است. این مشی باید هم در آغاز مسئولیت و هم در طول آن ساری و جاری باشد.

در قضیه شورای شش نفره، از سوی عبدالرحمن بن عوف، سه مرتبه به حضرت علی[ؓ] پیشنهاد قبول خلافت به شرط عمل به سیره شیخین مطرح شد؛ ولی ایشان با قاطعیت تمام رد کرد و اعلام کرد معیار و ملاک حکومت من فقط کتاب خدا و سنت پیامبر[ؐ] است و با وجود این دو، نیازی به ضمیمه کردن سیره دیگری نیست (یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۶۲). حتی امام[ؑ] در این باب به بهانه در دست گرفتن خلافت ظاهری، توریه هم نکرد.

همچنین پس از کشته شدن عثمان، آن هنگام که مردم برای بیعت به سراغ وی آمدند، به دلائلی از پذیرش حکومت که حق مسلم او بود، سر باز زد؛ از جمله آشکارا اعلام کرد: «آگاه باشید، اگر دعوت شما را بپذیرم، بر اساس آنچه که می‌دانم، با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرامی‌دهم» (همان، خطبه ۹۲).

هنگامی که مهاجر و انصار بر بیعت با حضرت علی[ؓ] اصرار می‌ورزیدند، به آنان گفت: «اینک که بر گزینش من اصرار می‌ورزید، انجام آن باید در مسجد باشد» (طبری، ۱۸۷۹، ص ۴۵۰). آنگاه در مسجد، به روشنی برنامه حکومتی خود را اعلام کرد و فرمود:

آگاه باشید! تیره‌روزی‌ها و آزمایش‌ها، همانند زمان بعثت پیامبر[ؐ]، بار دیگر به شما روی آورد. سوگند به خدایی که پیامبر[ؐ] را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش

می‌شوید؛ چون دانه‌ای که در غربال ریزند، یا غذایی که در دیگ گذارند، به هم خواهید ریخت، زیر و رو خواهید شد، تا آنکه پایین به بالا و بالا به پایین رود. آنان که سابقه‌ای در اسلام داشتند و تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می‌آیند و آنها که به ناحق، پیشی گرفتند، عقب زده خواهند شد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶).

در جای دیگری، قاطعانه درباره خط اصلی حکومت خود - یعنی عدالت‌گستری و ستم‌ستیزی - سخن گفت و اعلام کرد:

بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم؛ گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است (همان، خطبه ۱۵).

حضرت علی^{علیه السلام} با تأکید بر اینکه «آنچه می‌گویم، به عهده می‌گیرم و خود به آن پای‌بندم ... به خدا سوگند! کلمه‌ای از حق را نپوشاندم، هیچ‌گاه دروغی نگفتم» (همان، خطبه ۱۶)، می‌فرماید: «آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم» (همان، نامه ۵۰).

۲-۱- هشدار به کارگزاران و آگاهی‌بخشی وظایف آنان

هدف یا اهدافی که برای کارگزاران مشخص و تعیین می‌شود، باید روشن باشد. روشنی و صراحت هدف، به تعریف دقیق هدف از انجام کار بستگی دارد. دقت در سیره مدیریتی امام علی^{علیه السلام} این نکته را روشن می‌کند که آن حضرت همواره به این مطلب توجه داشته است. ایشان هرگاه کسی را به عنوان کارگزار منطقه‌ای انتخاب می‌کرد، پیش از اعزام وی به منطقه مورد نظر، اهداف و انتظارات خود را به روشنی می‌نوشت و در اختیار او می‌گذاشت و بدین ترتیب به ایشان آگاهی می‌بخشید و با آنها به اتمام حجت می‌پرداخت. شفافیت اهداف و وظایف سبب می‌شد مدیران و مسئولان به طور کامل نسبت به وظایف خویش توجیه شوند و خدمات خود را با طرح‌های ارائه‌شده از سوی حکومت مرکزی هماهنگ سازند. نامه‌های امام علی^{علیه السلام} را در این باب می‌توان در دو قسمت جداگانه بررسی کرد: نخست، آگاهی‌بخشی‌های ایشان درباره اقداماتی که انجام آنها بر عهده کارگزاران است (پرورش اخلاق

حرفه‌ای)؛ دوم، آگاه‌ساختن کارگزاران از اعمال مجازات اقدامات مجرمانه خود در صورت تخلف (سرکشیکیان، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

۱-۲-۲-۱. پرورش اخلاق حرفه‌ای کارگزاران

حضرت علیؑ در بخشی از عهدنامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید:

آنچه بر تو لازم است آنکه حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های باارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان و آثار پیامبرﷺ و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یاد آوری و به آنچه ما عمل کرده‌ایم، پیروی کنی، و برای پیروی از فرامین این عهدنامه‌ای که برای تو نوشته‌ام، و با آن حجّت را بر تو تمام کرده‌ام، تلاش کن؛ زیرا اگر نفس سرکشی کرد و بر تو چیره شد، عذری نزد من نداشته باشی (همان، نامه ۵۳). ایشان خطاب به محمدبن‌ابی‌بکر - هنگامی که او را به سرپرستی لشکر مصر انتخاب کرد - می‌فرماید:

۱۴۱

بدان که من تو را سرپرست بزرگ‌ترین لشکرم یعنی لشکر مصر قرار دادم. بر تو سزاوار است که با خواسته‌های دل مخالفت کرده، و از دین خود دفاع کنی، هر چند ساعتی از عمر تو باقی نمانده باشد. خدا را در راضی‌نگه‌داشتن مردم به خشم نیاور؛ زیرا خشنودی خدا جایگزین هر چیزی بوده، اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی‌شود (همان، نامه ۲۷).

همچنین در نامه‌ای به عبدالله‌بن‌عباس - هنگامی که او را به فرمانداری بصره منصوب کرد - مواردی چون گشاده‌رویی با مردم هنگام دیدار، در مجالس رسمی و در مقام داوری و نیز پرهیز از خشم را به او توصیه می‌کند (همان، نامه ۷۶). در نامه دیگری به همین کارگزار، او را به مدارا و رفتار نیک با مردم قبایل و زدودن وحشت از دل‌های آنان سفارش می‌کند (همان، نامه ۱۸) یا در سفارش به مخنف‌بن‌سلیم - فرماندار اصفهان - می‌فرماید:

به او سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباشد، و به آنها دروغ نگوید، و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد، بی‌اعتنایی نکند، چه اینکه مردم برادران دینی و یاری‌دهندگان در استخراج حقوق الهی می‌باشند. بدان برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی، سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری؛ همان‌گونه که ما حق تو را می‌دهیم (همان، نامه ۲۶).

۲-۲-۱. آگاهی بخشی درباره مجازات‌ها

امام علی علیه السلام در فرصت‌های مناسب و به بهانه‌های گوناگون، با نامه‌های خطابی و تهدیدآمیز، کارگزاران را نسبت به تکالیفشان گوشزد می‌کرد تا مبادا در نسیان زمان از انجام مسئولیت‌شان بازمانند؛ آنچنان‌که خطاب به اشعث بن قیس - کارگزار آذربایجان - فرمود:

همانا پُست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است؛ باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم (همان، نامه ۵).

در نامه‌ای به زیاد بن ابیه - جانشین فرماندار بصره - او را از خیانت در بیت‌المال برحذر می‌دارد و قاطعانه مجازات این عمل را بیان می‌کند:

همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی (همان، نامه ۲۰).

در عهدنامه مالک اشتر، نسبت به کارگزاران خائن چنین دستور می‌دهد:

... اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش بازرسان تو هم آن خیانت را تأیید کردند، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه را که از اموال در اختیار دارد، از او بازپس گیر! سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و قلاده بدنمایی به گردنش بیفکن (همان، نامه ۵۳).

بر این اساس، قرارداد چهارچوبی روشن و معیاری دقیق فراروی کارگزاران و منع ایشان از تفسیر معیارها بر اساس سلایق شخصی، سبب می‌گردد امور بسامان شود و در مقابل، عدم ارائه قانون و آیینی روشن که کارگزار رفتار خود را با آنها برابر سازد، راه را برای تفسیرهای فردی باز می‌گذارد و زمینه فسادهای بزرگ‌تر را فراهم می‌آورد.

۳-۲-۱. معرفی کارگزاران و اطلاع‌رسانی مسئولیت‌ها و اختیارات آنان به مردم

مدیران باید کارگزاران خود را به زیردستان معرفی کنند؛ این تبیین باعث می‌شود

مخاطبان، درک روشن‌تری از وظایف حاکمان و تکلیف خود داشته باشند. از این‌رو مدیران باید از یک سو کارگزاران خود را به زیردستان معرفی کنند و از سوی دیگر خود نیز شرایط و انتظارات خویش را بیان دارند تا زیردستان در انجام وظایف و شناخت تکالیف خود، به دیدگاه روشنی دست یابند. روش حضرت علی^{علیه السلام} در اعزام استانداران این‌گونه بود که نامه‌ای برای استاندار جدید می‌نوشت و دستورات لازم را به او می‌داد و در نامه دیگری، مردم شهر را از انتصاب استاندار جدید مطلع می‌ساخت و دستوراتی را که به وی داده بود، گوشزد می‌کرد و احیاناً نکاتی در معرفی استاندار می‌نوشت.

حضرت در نامه‌ای که به زمامدار یمن نگاشت، وی را مأمور ساخت تا مردم را از محتوای نامه آگاه سازد. از این‌رو در فرازی از نامه فرمود: «وقتی نامه‌ام را دریافت کردی، آن را برای مردم یمن بخوان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۹).

امام علی^{علیه السلام} در نامه به مردم مصر، با تصریح به ویژگی‌های مالک اشتر، وی را زمامدار و حاکم مصر معرفی کرد (همان، نامه ۳۸) و در بیان وظایف وی فرمود:

این فرمان بنده خدا علی امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد (همان، نامه ۵۳).

حضرت امیر^{علیه السلام} زمانی که عبدالله بن عباس را برای حکومت بصره مأمور ساخت، خطاب به مردم فرمود:

ای مردم! من عبدالله بن عباس را به عنوان جانشین خود بر شما حاکم و والی قرار دادم. سخن او را بشنوید و از امر او مادام که در اطاعت خدا و رسول اوست، اطاعت کنید و اگر بدعتی نهاد یا از حق روی‌گردان شد، به من اطلاع دهید تا او را از حکومت کردن بر شما عزل کنم (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۳۵۴).

۴-۲-۱. تبیین تکالیف و حقوق متقابل کارگزاران و مردم

معیار دیگری که در یک نظام سیاسی شایسته به شفافیت امور منتهی می‌گردد، تبیین حقوق متقابل مدیران و زیردستان اعم از حاکم، مردم و کارگزاران نسبت به یکدیگر است. این تبیین سبب می‌شود مردم، کارگزاران و فرمانداران حکومتی ایشان، با آگاهی

کامل در جهت انجام وظیفه اجتماعی خویش قدم بردارند؛ ضمن اینکه اتمام حجتی از سوی امام محسوب می‌شود تا عذر و بهانه‌ای در ترک وظایف اجتماعی برای کسی باقی نماند. آگاهی شهروندان از وظایف حکومت در قبال ایشان و کوشش برای تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان در مقابل حکومت سبب می‌شود مشارکت شهروندان در امور از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شود و مثمرتر گردد. آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی و حساب‌کشی شهروندان از حکومت و کارگزاران و شفافیت هرچه بیشتر امور خواهد شد.

حضرت علیؑ حقوق متقابل مردم و کارگزاران را قراردادی الهی برمی‌شمرد و حقوق متقابل مردم و رهبر را بزرگ‌ترین آنها ذکر می‌کند که رعایت آنها باعث استقرار قرآن و سنت می‌شود و نادیده‌گرفتن آنها سبب تعطیلی احکام الهی و سیره نبوی می‌گردد (همان، خطبه ۲۰۷).

امیر مؤمنانؑ در بیان فلسفه احکام الهی، حقوق متقابل امام و مردم را این‌گونه تفسیر می‌کند: «و خداوند، امامت را برای سازمان‌یافتن امور امت، و فرمانبرداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد» (همان، حکمت ۲۵۲). ایشان در تبیین حقوق و وظایف متقابل، وظیفه رهبر را زنده‌نگه‌داشتن سنت نبوی، جاری‌ساختن حدود، نصیحت و خیرخواهی، عدالت اقتصادی، آموزش و پرورش و... ذکر کرده‌اند و در مقابل، حقوق رهبر را بیعت و وفاداری مردم، خیرخواهی، اجابت فرمان و اطاعت بیان می‌دارد:

ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است؛ حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان، برایم خیرخواهی کنید؛ هر گاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید (همان، نامه ۳۴).

۵-۲-۱. لزوم پاسخ‌گویی به مردم

از منظر حقوقی می‌توان گفت پاسخ‌گویی در ساده‌ترین مفهوم آن عبارت از این است که مأمور یا نماینده حکومت در برابر دیگری - برای مثال شهروند - پاسخ‌گو باشد. در این مفهوم، مأمور، وظیفه‌ای اخلاقی یا حقوقی در برابر شهروند دارد. این اصل با مفاهیم و اصول دیگری مانند شفافیت کامل می‌شود (Ivan Fuent, 2008, p.64). با ابتدای بر این مفهوم، اساسی‌ترین نتیجه مسئولیت‌پذیری زمامداران که همان پاسخ‌گویی در مقابل مردم و اصالت‌دادن به حقوق آنان است، شفافیت سیاست و مشی حکومت می‌باشد که زمینه‌ساز اعتمادآفرینی است. از نظر امام^ع، مردم این حق را دارند که در صورت مشاهده رفتار خلاف انتظار از سوی مسئولان، نسبت به آنها بدگمان شوند و مسئولان باید پاسخ‌گو باشند و آنان را در جریان کارها و تصمیم‌هایشان قرار دهند. بر همین اساس، امام^ع به مالک اشتر فرموده است مدیریتی شفاف داشته باشد: «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار آنان را از بدگمانی بیرون آور» (همان، نامه ۵۳).

۱۴۵

واژه‌ای که حضرت علی^ع در اینجا برای شفاف‌سازی به کار برده است، تعبیر «أصْحَر» از «إِصْحَار» می‌باشد که این تعبیر از «صحرا» گرفته شده است:

امور و مسائل را چون صحرا در برابر دید مردمان و خدمت‌گیرندگان قرار ده و آشکار ساز که در صحرا همه چیز روشن و آشکار است و با این شفاف‌سازی، گمان‌های بد ایشان را از خویش بگردان که در این کار، گونه‌ای پرورش‌دادن نفست است و همراهی و نرمشی با شهروندان (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱).

ایشان خود نیز نسبت به شبهاتی که درباره چگونگی رفتار و عمل‌کرد شخص وی مطرح می‌شد، پاسخ‌گو بود؛ چنان‌که روزی مالک اشتر به حضرت^ع اعتراض کرد که چرا فرزندان عباس را به کار گماشته است. امام^ع ضمن بیان دلایل آن، با ارائه پاسخ منطقی فرمود: «هم‌اکنون اگر افرادی لایق‌تر از آنان سراغ داری، معرفی کن تا به حکومت منصوب نمایم» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۹۹).

برای ارائه کارنامه و دفاع از عمل‌کرد خود در برابر مردم و قرارگرفتن در مقام پاسخ‌گویی، از روش‌های گوناگونی می‌توان استفاده کرد. برجسته‌ترین روش‌ها در

سخنان و سیره امیر مؤمنان علیه السلام به چشم می‌خورد که در ذیل به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود. گفتنی است برخی از روش‌های تحقق‌بخش پاسخ‌گویی، اگرچه جنبه ساختاری دارند، ولی از آن جهت که در جهت مشی و سلوک پاسخ‌گویی به مردم به عنوان یک شیوه رفتاری‌اند، در اینجا طرح شده‌اند.

۱-۵-۲-۱. دانستن ارتباط مستمر و بی‌واسطه با مردم

از وظایف مهم کارگزاران که در حقیقت حق مردم بوده، به شفافیت در امور منجر می‌گردد اینکه با حضور در مجالس عمومی و پاسخ به پرسش‌های مردم، به مسائل آنان رسیدگی کنند. امام علی علیه السلام چنان بر صراحت و شفافیت در سیاست و مدیریت تأکید داشت که به کارگزارانش می‌آموخت در جلساتی عمومی، ساده و بی‌پیرایه با مردم به پرسش و پاسخ بپردازند و مسائل را صریح و شفاف برای آنان بیان کنند و عرصه‌ای را فراهم سازند تا مردم به راحتی و آشکارا و شفاف سخن گویند و انتقاد کنند. همچنین دغدغه‌ای نداشته باشند که این امر برایشان پیامدهای خطرناکی دارد؛ زیرا نتیجه کاهش حضوری، از یک سو، کم‌شدن اطلاع زمامدار از اوضاع کشور و وضعیت مردم و از سوی دیگر ضعف آگاهی مردم از امور حکومت را به دنبال دارد.

امام علی علیه السلام در این باره به مالک اشتر این‌گونه فرمان می‌دهد:

پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت‌وگو کند، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای بازنستند، رستگار نخواهد شد (همان، نامه ۵۳).

در فرازی از نامه ایشان به فرماندار مکه آمده است:

در بامداد و شامگاه، در یک مجلس عمومی با مردم بنشین! آنان که پرسش‌های دینی دارند، با فتواها آشنایشان بگردان و ناآگاه را آموزش ده، و با دانشمندان به گفت‌وگو بپرداز. جز زبانت چیز دیگری پیام رسالت با مردم، و جز چهره‌ات دربانی وجود نداشته باشد و هیچ نیامندی را از دیدار خود محروم مگردان؛ زیرا

اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او برآورده شود، دیگر تو را نستاید (همان، نامه ۶۷).

این روش و شفافیت امور و برنامه‌ها و درهای باز برای مراجعه مردم و انتقاد و انتقال مطالب، سبب می‌شود حکومت را از آن خود بدانند و همبستگی و وفاق ملی مستحکم‌تر گردد.

۲-۵-۲. گزارش‌دهی از مسائل گوناگون به مردم

گزارش‌دهی امور به مردم در واقع مرکز ثقل پاسخ‌گویی حکومت و پاسخ‌خواهی مردم از حکومت است و مردم از راه نظام گزارشگری کارآمد، قادر خواهند بود از چگونگی عمل‌کرد حکومت آگاه گردند و اقدامات کارگزاران را ارزیابی کنند.

حضرت علی علیه السلام برای آگاه‌کردن مردم در مورد مسائل گوناگون، به صورت نوشتاری و گفتاری، جریان‌ها و وقایع را بازگو می‌کردند. نخستین جنگ امیر مؤمنان علیه السلام با مخالفان و توطئه‌گران در برابر حکومت خود، نبرد با ناکثین بود که به پیروزی امام و شکست ناکثین منتهی شد.

حضرت علی علیه السلام پس از فراغت از جنگ، به مردم کوفه و مدینه به صورت عمومی (دینوری، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱) و برای برخی افراد از جمله ام‌هانی (مفید، ۱۴۱۶، ص ۳۹۷) - خواهر خود - به صورت خصوصی نامه‌هایی نوشت و آنان را از تفصیل مسائل جنگ از زمان آغاز پیمان‌شکنی ناکثین تا زمان شکست‌شان و نیز اقدامات خویش پس از تسلط دوباره بر بصره، همچنین تصمیم خود مبنی بر حرکت به سوی کوفه، آگاه کرد.

ایشان خطاب به مردم کوفه، هنگام سفر از مدینه به بصره فرمود:

از بنده خدا، علی امیر مؤمنان، به مردم کوفه که در میان انصار، پایه‌ای ارزشمند و در عرب، مقامی والا دارند؛ پس از ستایش پروردگار، همانا شما را از کار عثمان چنان آگاهی دهم که شنیدن آن چونان دیدن باشد (همان، نامه ۱).

امام علی علیه السلام با ارسال نامه به مردم شهرهای دوردست که از ماجرای جنگ صفین اطلاع درستی نداشتند یا اطلاعات نادرستی دریافت کرده بودند، آنها را آگاه کردند و با اقدام

شفاف‌سازانه خویش، آنها را از حقیقت ماجرای جنگ صفین باخبر ساختند.* عدم ارائه اطلاعات شفاف و روشن به مردم، می‌توانست سبب بروز انحرافات جدید شود و با اقدامات فریبکارانه معاویه، مردم را از همراهی و تشریک مساعی با زمامداران اسلامی بازدارد؛ چنان‌که حضرت علیؑ در ماجرای جنگ جمل، برای تجهیز نیرو، از شهرها و زمامداران درخواست اعزام نیرو کرد. در این میان ابوموسیٰ اشعری - حاکم وقت کوفه - با القای شبهه، مانع پیوستن مردم به سپاه امام علیؑ شد. حضرت نیز به منظور کنترل رفتارهای انحرافی در شهر کوفه، به سازوکار شفاف‌سازی متوسل شد و با ارسال نامه برای مردم کوفه، درصدد کنترل وضعیت انحرافی موجود در آن شهر برآمد (ابروش، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳).

۳-۵-۲-۱. تأسیس مرکز پاسخ‌گویی به شکایات و رسیدگی به آن

بر اساس نقل ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، امیر مؤمنانؑ اتاقی داشت که آن را «بیت‌القصص» می‌نامید و آن را در مرکز حکومت خود برای مراجعه مردم و طرح پرسش‌ها و شکایات‌های‌شان در نظر گرفته بود. مردم برای طرح خواسته‌ها، پرسش‌ها و شکایات‌های خود به آنجا مراجعه می‌کردند و نامه‌های خود را به صندوق مخصوص می‌انداختند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۸۷). در صبح‌الأعشى نیز آمده است: «اولین کسی که اتاقی را مشخص کرد تا افرادی که به آنها ستم روا شده است، مطالب‌شان را در آن بیندازند، امام علیؑ بود» (قلقشندی، [بی‌تا]، ص ۴۷۱).

بر این اساس، حضرت علیؑ با تأسیس بیت‌القصص، زمینه دریافت شکایات و تظلمات را فراهم آورد و کسانی که به هر دلیل نمی‌خواستند به صورت شفاهی ضد کارگزاران شکایت کنند، شکایت خود را می‌نوشتند و در آن مکان قرار می‌دادند و امامؑ از آن آگاهی می‌یافت. رسیدگی امام به این شکایات، گامی در جهت شفافیت و رفع سوء ظن عمومی در مورد اصلاحات و مقاومت علیه فساد است.

* «کتابه إلی‌الأمصاریق فی‌ه ما جرى بینه و بین أهل صفین: این نامه، نامه‌ای است که حضرتؑ به مردم شهرها نوشته و در آن، جریان جنگ صفین را بیان داشته است» (همان، نامه ۵۸).

۶-۲-۱. به‌کارگیری سطح بالای استانداردهای درستکاری و اخلاق برای همه کارکنان

صداقت و راستی، از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است. در اندیشه سیاسی حضرت علی^{علیه السلام}، اصلاح امور و سامان‌یافتن درست کارها، جز در پرتو راستی، صداقت‌ورزی، شفافیت و صراحت‌ورزی میسر نمی‌شود. آنجا که ناراستی، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری و تیره‌سازی رخ می‌نماید، انواع فساد و تباهی‌های سیاسی نیز شکل می‌گیرد و دوام می‌یابد. آن حضرت فرموده است: «راستی، مایه درستی و بسامانی هر چیزی است» (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۳۵) و «دروغ، مایه فساد و تباهی هر چیزی است» (همان، ج ۱، ص ۳۶۵).

با توجه به نقش سازنده صداقت در روابط اجتماعی و سیاسی، رعایت آن برای همگان اهمیت دارد، ولی رعایت این پدیده ارزشمند برای کارگزاران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا صادقانه برخورد کردن کارگزاران با مردم و گفتن حقایق و واقعیت‌ها به مردم، نقش بنیادی در جلب رضایت و اعتماد عمومی دارد. اعتماد مردم به دولتمردان، بزرگ‌ترین سرمایه کارگزاران است. از این رو در **نهج البلاغه** به اعتماد مردم به مسئولان توجه خاصی شده است (همان، نامه ۵۳).

۱۴۹

در اندیشه سیاسی حضرت علی^{علیه السلام}، راستی و درستی از لوازم جدایی‌ناپذیر سیاست است. از این رو ایشان تأکید می‌کند: «پیشوای قوم باید با مردم خود به راستی سخن گوید» (همان، خطبه ۱۰۸).

حضرت علی^{علیه السلام} در عهدنامه مالک اشتر می‌آموزد که گزیده‌ترین اشخاص در حکومت و مدیریت، کسانی‌اند که صادقانه حقایق را بیان کنند و صادقانه رفتار نمایند: و باید که برگزیده‌ترین وزیران تو کسانی باشند که سخن حق بر زبان آرند؛ هر چند حق تلخ باشد و در کارهایی که خداوند بر دوستانش نمی‌پسندد، کمتر تو را یاری کنند؛ هر چند که این سخنان و کارها تو را ناخوش آید؛ پس به پارسایان و راستان بپیوند (همان، نامه ۵۳).

ایشان با نکوهش نیرنگ و عدم صداقت، در خطبه‌ای برای مردم، نیرنگ‌بازی را مخالف تدبیر دانسته، کاربست آن را برابر با گناه و بی‌پروایی در دین ذکر کرده است:

ای مردم! وفا همراه راستی است که سپری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد، اما امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. چگونه فکر می‌کنند؟ خدا بکشد آنها را! چه بسا شخصی تمام پیشامدهای آینده را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد؛ ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با اینکه قدرت انجام آن را دارد، آن را به روشنی رها می‌سازد، ولی آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد، از فرصت‌ها برای نیرنگ‌بازی استفاده می‌کند (همان، خطبه ۴۱).

همچنین در خطبه‌ای که پس از جنگ صفین ایراد کرد، به افشای سیاست دروغین معاویه پرداخت و نیرنگ و حيله‌گری را مخالف زیرکی و همتای کفر، انکار و رسوایی در روز رستاخیز برشمرد:

سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما معاویه حيله‌گر و جنایتکار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم؛ ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است. روز رستاخیز در دست هر حيله‌گری پرچمی است که با آن شناخته می‌شود. به خدا سوگند! من با فریب‌کاری غافلگیر نمی‌شوم و با سخت‌گیری ناتوان نخواهم شد (همان، خطبه ۲۰۰).

ابن‌ابی‌الحدید در مقایسه امام علی علیه السلام و معاویه می‌گوید:

امام علی علیه السلام در جنگ‌ها فقط آنچه با کتاب و سنت موافق است را به کار می‌گیرد، ولی معاویه هم کتاب و سنت را آویزه خود قرار می‌دهد و هم به مخالف با آن عمل می‌کند. همه نیرنگ‌ها و تدبیرها را به کار می‌برد؛ چه حلال و چه حرام ... علی علیه السلام به ورع و تقوا محدود و مقید است. فقط به آنچه خدا راضی است، یعنی کتاب و سنت بر آن دلالت می‌کند، پای‌بند است. به کید، مکر و نیرنگ‌هایی که (برای حکومت‌داران) معمول است روی نمی‌آورد ... (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۱، ج ۱۰، ص ۲۱۲).

۷-۲-۱. تبیین دلائل تنبیه کارگزاران

در فرایند تدوین شاخص‌های رفتاری تحقیق‌بخش شفافیت، باید دلیل توبیخ و تنبیه‌های کارگزاران را نیز به اطلاع ایشان رساند. این مسئله از یک سو، عذری برای مجرمان باقی نمی‌گذارد و از سوی دیگر انتظارات از کارگزاران را برای دیگران روشن می‌کند. به

عبارت دیگر، این‌گونه تبیین، عامل دیگری برای آشکارسازی وظایف کارگزاران و روشن‌گر موضع حکومت در برخورد با تخلف، فساد و بی‌قانونی است.

امیر مؤمنان علیه السلام در **نهج البلاغه**، آنگاه که سخن از مجازات مجرمان است، پیش از بیان مجازات، دلیل آن را بیان کرده است. مندرین جارود عبدی که از قدرت و ثروت حکومتی مغرور شده بود، به جای خدمت به مردم، به خوش‌گذرانی و تفریح می‌پرداخت. امام علیه السلام پس از آگاهی از عمل‌کرد نابخردانه او، طی نامه‌ای مرقوم داشت:

اما بعد، شایستگی پدرت، مرا درباره تو به اشتباه انداخت و حال آنکه تو فرمان‌بر هوای نفست هستی و چنین کاری تو را خوار ساخته است. به من خبر رسیده که تو بیشتر وقت‌ها مسئولیت را رها کرده، به تفریح و گردش می‌روی، به شکار می‌پردازی و با سگ‌ها بازی می‌کنی. به خدا سوگند! اگر چنین گزارش‌هایی حقیقت داشته باشد، تو را به خاطر این خلاف‌ها سخت مجازات خواهم کرد؛ در آن وقت، ابله‌ترین فرد خانواده‌ات بر تو ترجیح خواهد داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۹).

در نامه‌ای به زیاد بن ابیه - آن هنگام که به وسیله مأموران‌ش مطلع شد که زیاد به ایشان گزارش غلط داده است - فرمود:

ای زیاد! به خدا سوگند تو دروغ گفته‌ای و اگر خراج و مالیاتی را که از مردم گرفته‌ای، کامل نزد ما نفرستی، بر تو بسیار سخت خواهیم گرفت و مجازات سختی خواهی دید، مگر اینکه آنچه گزارش داده‌ای، محتمل باشد (سلطان‌محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹).

همچنین در نامه‌ای به مصقله بن هبیره، علت توبیخ او را چنین ذکر می‌کند:

خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هاشان گرد آورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو است، و تو را برگزیدند، می‌بخشی. سوگند به کسی که دانه را در زیر خاک شکافت و روح انسان را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، تو در نزد من خوار خواهی شد و ارزش و مقدرات کم خواهد بود. حق پروردگارت را سبک‌شمار و دنیایت را با نابودی دینت اصلاح مکن که از زیانکارترین افراد خواهی بود! آگاه باش! حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم این اموال مساوی است؛ باید همه آنها به نزد من آیند و سهمیه خود را از من بگیرند (همان، نامه ۴۳).

بر این اساس، آن حضرت نه تنها مفااسدی را که در حکومتش رخ داده است، مخفی

نمی‌کند و به صورت‌های گوناگون به توجیه آنها نمی‌پردازد، و نه تنها جلوی انتشار خبر این مفاسد را نمی‌گیرد، بلکه خود پیش از هر کس با بیان تخلف کارگزار و تشریح علت تنبیه و توبیخ وی، به انتشار آن می‌پردازد و با شدیدترین صورت ممکن، با متخلف برخورد می‌کند.

نتیجه

حکومت علی^{علیه السلام}، نمونه‌ای ماندگار از نظام سیاسی اسلام و شیوه زمامداری مبتنی بر دین، عدالت و آزادی را به بشریت ارائه داد که می‌توان با بازکاوی بایسته و سنجیده آن، رهیافت‌هایی مطلوب را برای مدیریت جامعه در دنیای کنونی به دست آورد و به کار بست. این حکومت بر مبانی و شاخصه‌های مهمی استوار بود که به رغم چالش‌های بسیار فراروی آن، هدف‌ها و مسئولیت‌های سترگی را نیز در آرمان خود داشت. یکی از عواملی که می‌توانست به اهداف حضرت علی^{علیه السلام} در تحقق جامعه مطلوب خویش - که همان حکومت علوی بود - کمک کند، شفافیت و صراحت در حکومت و حکومتداری بود. یافته‌های این نوشتار از این امر حکایت دارد که در سیره نظری و عملی - گفته‌ها و شیوه مدیریت عملی - آن حضرت^{علیه السلام}، معیارها و شاخصه‌های راهبردی مهمی به دست آمده است که شفافیت در حکومت علوی را از دیگر حکومت‌ها متمایز می‌سازد. عدم توجه به این معیارهایی که در دو حوزه ساختاری و رفتاری قابل تقسیم می‌باشد، می‌تواند آسیب‌های فراوانی را به حکومت و نظام سیاسی وارد سازد و سبب جدایی مردم از حکومت گردد، در حالی که با توجه به نقش پُررنگ مرم در اندیشه حکومتی علوی و با سرلوحه قراردادن مؤلفه‌ها و شاخص‌های شفافیت، می‌توان روابط میان شهروندان و زمامداران سیاسی را مستحکم‌تر کرد. اعلام صریح مواضع حکومت، هشدار و آگاهی‌بخشی به کارگزاران، تبیین تکالیف و حقوق متقابل کارگزاران و مردم نسبت به یکدیگر، لزوم دسترسی آسان به کارگزاران، به‌کارگیری سطح بالایی از استانداردهای درستکاری و اخلاق برای همه کارکنان، گزارش‌دهی به مردم و تبیین دلایل تنبیه کارگزاران، شاخص‌های رفتاری و مقدمات تحقق‌بخش یک

حکومت و ساختار شفاف است. در نیل به این مطلوب، بهره‌گیری از شاخص‌های ساختاری چون شایسته‌سالاری در گزینش‌ها، وجود شبکه نظارتی گسترده و همچنین ایجاد نظام قضایی مستقل نیز می‌تواند به خوبی راهگشا باشد. این شاخص‌ها را می‌توان به شکل دستورالعمل و الگویی برای نظام‌سازی و مدیریت جامعه اسلامی به کار گرفت و با اجرای این الگوهای کاربردی از حکومت علوی، در نظام‌های دینی حکمرانی شایسته را تحقق بخشید.

منابع

۱. ابروش، رضا؛ «بررسی سازوکارهای نظام کنترل تعاملی در سیره امام علی (ع)»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی؛ ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۱۷ و ۱۵، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن‌اثیر، عزالدین؛ الکامل فی التاریخ؛ ج ۳، بیروت: نشر دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۴. ابن‌کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل‌بن‌عمر؛ البدایة والنهایة؛ ج ۸، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۵. آذرنوش، آذرتاش؛ فرهنگ معاصر عربی - فارسی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، ترجمه هاشم رسولی؛ ج ۱ و ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۷. باقرالموسوی، محسن؛ القضاء الیغنام القضایی عندالإمام علی (ع)؛ بیروت: الغدیر، ۱۴۱۹ق.
۸. بخشایش اردستانی، احمد و فرزانه دشتی؛ «مردم‌سالاری در حکومت امام علی (ع)»، پژوهشنامه علوی؛ ش ۸، زمستان ۱۳۹۲.
۹. بشیر، حسین؛ «نظام دادرسی علوی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی؛ ش ۳۲-۳۳، بهمن و اسفند ۱۳۸۰.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی؛ أنساب‌الأشراف؛ ج ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۱. پورعزت، علی‌اصغر، آرین قلی‌پور و حوریه باغستانی برزکی؛ «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها»، فصلنامه رفاه اجتماعی؛ ش ۳۸، پاییز ۱۳۸۹.
۱۲. تقفی کوفی، محمد بن ابراهیم؛ الغارات؛ ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.

۱۳. حرّانی، ابن شعبه؛ *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن‌زاده؛ قم: انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۱۴. حیدری، سید محمد؛ *معجم‌الفعال المتداوله*؛ ج ۱، قم: مرکز‌العالمی للدراسات الإسلامية، ۱۴۲۳ق.
۱۵. خویی، میرزا حبیب‌الله؛ *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*؛ ج ۱۸، تهران: مکتبه‌الإسلامیة، ۱۳۵۸.
۱۶. دشتی، محمد؛ *ترجمه نهج البلاغه*؛ قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۶.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ *رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر*؛ تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۰.
۱۸. دینوری، احمد بن داود؛ *أخبار الطوال*؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۳.
۱۹. ساریخانی، عادل و روح‌الله اکرمی سراب؛ «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی»، *مجله حقوقی دادگستری*؛ ش ۸۲، تابستان ۱۳۹۲.
۲۰. سرکشکیان، سید محمد حسین؛ «سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی علیه السلام»، *مجله کارآگاه*؛ ش ۷، تابستان ۱۳۸۸.
۲۱. سلطان‌محمدی، حسین؛ *آیین زمامداری در سیره حکومتی امام علی علیه السلام*؛ تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۵.
۲۲. شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور؛ «حکمرانی خوب و نقش دولت»، *فرهنگ مدیریت*؛ ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۲۳. طبری، ابن جریر؛ *تاریخ طبری*؛ ج ۳، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، ۱۸۷۹م.
۲۴. عباس‌نژاد، محسن؛ *سیره مدیریتی امام علی علیه السلام*؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۲۵. عسگری‌نیا، ابوالفضل و منا لطفی‌جم؛ *روش تحقیق در مدیریت*؛ تهران: نشر فرانما، ۱۳۹۰.
۲۶. عمید، حسن؛ *فرهنگ فارسی عمید*؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲۷. فرحزادی، علی‌اکبر؛ «معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی اسلامی»،

- دیدگاه‌های حقوق قضایی؛ ش ۱۹-۲۰، ۱۳۷۹.
۲۸. قلعه جی، محمد رواس؛ موسوعه فقه علی بن ابی طالب؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۹. قلقشندی، احمد بن علی؛ صناعۃ الإنشاء؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۳۰. قیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ ج ۱، لبنان: المكتبة العصریه، ۱۴۱۸ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۳۴، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۲. —؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد؛ دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه عبدالهادی مسعودی؛ ج ۱۳، قم: نشر دارالحديث، ۱۳۸۹.
۳۴. —؛ سیاست‌نامه امام علی علیه السلام، ترجمه مهدی مهریزی؛ قم: نشر دارالحديث، ۱۳۸۱.
۳۵. محمدی، کاظم و محمد دشتی؛ المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغة؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۶ق.
۳۶. محمودی، محمد باقر؛ نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة؛ ج ۴، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۷. مرعشی، سید شهاب‌الدین؛ تعلیق إحقاق الحق؛ ج ۸، قم: کتابخانه مرعشی، [بی تا].
۳۸. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین؛ تهران: انتشارات سرایش، ۱۳۸۶.
۳۹. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان؛ الجمل؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۶ق.
۴۰. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان؛ حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳.
۴۱. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۳، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۴۲. هاشمی، سید محمد؛ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ تهران: میزان، ۱۳۸۴.
۴۳. یزدانی زنوز، هرمز؛ «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»،

فصلنامه علمی تخصصی حقوق عمومی؛ ش ۵، تابستان ۱۳۸۸.

۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ الیعقوبی؛ ج ۲، بیروت: دار صادر، [بی تا].

۴۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی؛ ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

46. Ivan Fuentes, Carlos; “transparency as a global goal: towards an unity of principles in global administrative law”, **United Nations — Office of Legal Affairs; Centre for Human Rights & Legal Pluralism**, McGill University, 2008.